

مناجات - هو الغافر الحكيم - يا أمّتي والمزينة بطراز حي طوبى

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



مناجاة - من آثار حضرة بهاء الله - بشارة النور، ۱۴۴ بديع، الصفحة ۴۳

هو الغافر الحكيم

يا أمّتي و المزينة بطراز حيّ طوبى لكِ و لامة ادرکت ایامی و اقبلت الى افقی و اجابت اذ ارتفعت ندائی و فازت بذکری اذ اعرضت عني امائی و شهدت بما نطق به لسانی و اقرت بما نزل فی کتابی یا امّتی محزون مباش از آنچه وارد شد در اول ورود سجن مهدی را فدا نمودیم لامر ما اطّلع به الا الله و آن غصن در ریعان جوانی جان نثار نمود و با کمال نشاط و انبساط قصد بساط دیگر نمود هر نفسی بحجة الله عروج نماید دارای کلّ خیر بوده و هست اگر باثر قلم اعلى فائز شود این نعمتی است باقی و فضلی است ابدی الحمد لله فائز شد بانچه شبه و مانند از برای او نیست امروز نظر بعدم استعداد اهل عالم مقام کلمة الله مستور است قسم بامواج بحر بیان رحمن که بکلمه یا امّتی معادله نمی نماید آنچه الیوم دیده میشود چه مقدار از امرای ارض و ملکه های عالم بحسرت اصغای یا عبدی و یا امّتی جان دادند و نشنیدند انصاری گوید آلهی اگر یکبار گوئی بنده من از عرش بگذرد و خنده من و تو مکرر باین کلمه مبارکه فائز شدی مسرور باش حقّ جلّ جلاله امین است امانت خود را بروح و ریحان اخذ فرمود آنچه واقع شد بمقتضیات حکمت بالغه بوده ان اصبری ان ربک هو الصّبار العليم الحكيم انه لا یضیع اجر الصابرين جميع اماء آن ارض را تکبیر میرسانیم و باستقامت امر مینمائیم



ORIGINAL